

## کارآفرینی پادزهر بیکاری

نویسنده : نا مشخص

چگونه باید ایجاد اشتغال کرد، چگونه می توان مشکل بیکاری جوانان که امروز به مهمترین مشکل کشور تبدیل شده است، را حل کرد؟ آیا دولت باید بیکاران را جذب کند و برای آنها ایجاد اشتغال کند؟ آیا به غیر از دولت و بخش دولتی از راه های دیگری نمی توان برای جوانان کار ایجاد کرد؟

به اعتقاد کارشناسان و متخصصان، در شرایط فعلی کشور، بهترین روش ایجاد اشتغال و حل مسئله بیکاری، توسعه و گسترش فرهنگ کارآفرینی در جامعه است. زیرا یکی از علل اصلی رشد نرخ بیکاری در کشور ما، توسعه نیافتگی فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه است و اینکه مردم و حتی تحصیلکرده ها و فرزندان خانواده های متمدن هم دنبال این هستند که از طریق بخش دولتی کسب و کاری برای خود ایجاد کنند .

چندین سال است که جامعه ما از بیکاری جوانان رنج می برد و اگرچه هر روز بیش از پیش تاوان سنگین بیکاری جوانان را می پردازیم، اما هنوز این مشکل حل نشده است. بیکاری جوانان نه تنها ضرر و زیان های گوناگون اقتصادی و اجتماعی برای جامعه ما ایجاد کرده، بلکه ضربات سنگین فرهنگی و اخلاقی به جامعه وارد کرده است، به گفته جامعه شناسان و کارشناسان یکی از علل اصلی رشد بزهکاری در جوانان امروز جامعه، بیکاری است، بنابراین باید برای این مشکل اساسی کشور چاره اندیشی شود و از راه های درست و مناسب آن را حل کرد، و هرچه زودتر برای جوانان ایجاد اشتغال نمود .

راه های ایجاد اشتغال و کسب و کار

چه کسانی می توانند مشکل بیکاری و کمبود اشتغال را در جامعه حل کنند؟ اقتصاد ما يك اقتصاد سه بخشی است : دولتی، تعاونی و خصوصی. تصور اکثر جوانان این است که دولت باید برای آنها ایجاد کسب و کار و اشتغال نماید. و چشم آنها کمتر متوجه سایر بخش های اقتصادی کشور مانند بخش خصوصی و تعاونی است. کمتر جوانی را می توان در جامعه یافت که برای کسب و کار چشمش به دولت و کارهای دولتی نباشد. اکثر آنها با وجود آنکه می دانند حقوق و دستمزد در بخش دولتی پایین است و در حال حاضر اکثر کارکنان دولت با مشکل کمبود حقوق روبرو هستند، ولی با این وجود، جویای کار در ادارات و سازمان های دولتی هستند .

دولت توان جذب نیروی جدید ندارد

یکی از نکاتی که باید برای جوانان و اکثر مردم روشن شود این است که دولت نه توان جذب نیروی انسانی جدید دارد و نه اینکه باید به او اجازه داده شود که نیروی انسانی خود را بیش از این افزایش دهد. امروز اکثر درآمد و بودجه کشور صرف حقوق و دستمزد حجم وسیع نیروی انسانی بخش دولتی می شود. در دنیا از هیچ دولتی نمی توان اسم برد که به اندازه دولت ایران، نیروی انسانی داشته باشد. در حال حاضر حدود دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بدون احتساب نیروهای مسلح (ارتش، سپاه و نیروی انتظامی) حقوق بگیر دولت هستند و پرداخت حقوق این نیروی عظیم انسانی، فشار زیادی را به دولت تحمیل کرده است .

در سال های اخیر اگرچه درآمدهای نفتی و یا مالیاتی کشور افزایش یافته است، ولی به دلیل همین نیروی انسانی عظیم، تنها بخش کوچکی از این درآمدها صرف عمران و آبادانی و توسعه کشور شده است و اکثر درآمدهای نفتی کشور صرف پرداخت حقوق شده است، در صورتی که اگر ما يك تعصب ملی داشته باشیم، نباید اجازه دهیم اصلی ترین درآمد ملی کشور فقط صرف حقوق و دستمزد کارکنان دولت شود، بلکه ما باید از دولت بخواهیم که این درآمدها را صرف رشد و توسعه اقتصادی کشور که به سود همه ملت و آحاد جامعه است، کند. بنابراین نه درست و نه عاقلانه است که مردم بخواهند که دولت بیش از این نیرو جذب کند .

شکست اقتصاد دولتی در اکثر نقاط جهان

تجربه کشورهای گوناگون جهان به خصوص در سال های اخیر نشان می دهد که اقتصاد دولتی و حکومتی در هیچ کشوری سرانجام خوشی ندارد و در اکثر کشورها نه تنها با شکست روبرو شده، بلکه یکی از عوامل اصلی فسادهای مالی و حتی اخلاقی در آن جوامع بوده است. به همین دلیل است که در دو دهه اخیر شاهد هستیم که اکثر کشورهای پافشاری روی اقتصاد دولتی، به سایر بخش های اقتصادی مانند بخش خصوصی و بخش تعاونی توجه بیشتر نمایند. کشورهای روسیه، چین، کره و... از جمله این کشورها هستند، به گفته سفیر چین در <?br>ایران، چین توانسته است در دو دهه اخیر با جذب ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی بیش از صدها هزار شرکت در چین ایجاد و راه اندازی کند و طبیعی است که آنها از این طریق نه تنها مشکل بیکاری حجم وسیع مردم چین را حل کرده اند، بلکه به شدت اقتصاد چین را رونق بخشیده اند و درآمدهای عظیمی در بازار جهانی کسب کرده اند. صادرات چین در سال گذشته فقط به کشور آمریکا حدود یکصد میلیارد دلار بوده است. کشور کره همانند چین نیز يك انقلاب عظیمی در اقتصاد کشور خود بوجود آورده است و کشوری که کل خاک آن کمتر از استان خراسان ایران است، در سال گذشته حدود ۲۴۰ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی داشته است .

## ضرورت رشد بخش های تعاونی

### و خصوصی درکشور

به گفته دکتر محمود احمد پورداریانی عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و متخصص کارآفرینی، امروز در تمام دنیا، دولت ها متوجه شده اند که خودشان نمی توانند توسعه و رشد ایجاد کنند، بنابراین اکثر دولت ها در جهان سیاست هایی اتخاذ می کنند که در کشورشان کارآفرینان رشد و نمو پیدا کنند، یعنی بخش خصوصی را رشد و توسعه می دهند تا فضای کسب و کار ایجاد شود.

دکتر احمد پورداریانی در پاسخ به این سؤال که چه کسانی باید در کشور ایجاد شغل کنند و مشکل بیکاری جوانان را حل کنند، می گوید: «ایجاد شغل یا باید توسط دولت یا شرکت های موجود و یا شرکت های جدید صورت گیرد. اما امروز برای همه روشن است که نیروی انسانی دولت بیش از حد سنگین شده است و دیگر قادر به استخدام نیروی جدید نیست. از طرف دیگر شرکت های موجود نیز ظرفیت های محدودی دارند و قادر به جذب نیروی جدید نیستند و هر اندازه هم که دولت بگوید، برای جذب هر نفر سه میلیون تومان می دهد، فایده ای ندارد، چرا که شرکت های موجود نه تنها توان جذب نیروی جدید ندارند، بلکه برخی از آنها به خاطر افزایش هزینه ها ناچار به تعدیل نیروی انسانی خود می باشند. بنابراین تنها راه حل بیکاری و جذب نیروی جدید و ایجاد اشتغال این است که کارآفرینی در کشور توسعه یابد و شرکت های جدید غیردولتی ایجاد شود و اکنون این سوال مطرح می شود که چه کسانی باید این کار را بکنند که پاسخ ما این است کسانی که ما به آنها کارآفرین می گوئیم. باید این کار را انجام دهند.»

### کارآفرینی چیست؟

وقتی از بسیاری از مردم و حتی نخبگان جامعه سوال می شود که «کارآفرینی» چیست یا «کارآفرینان» چه کسانی هستند، به سرعت پاسخ می دهند که «کارآفرینی» ایجاد کار و شغل است و «کارآفرین» ایجاد کار می کند، در صورتی که تعریف «کارآفرینی» و «کارآفرین» این نیست. به گفته متخصصان و کارشناسان، کارآفرینی قصه زندگی انسان های موفق هر جامعه است که به جای این که بیایند و در جایی استخدام شوند و مشغول کار شوند، خودشان کسب و کار راه می اندازند و به گفته دکتر احمدپور داریانی، کارآفرینان قهرمانان توسعه اقتصادی- اجتماعی جوامع می باشند.

نخستین گام جهت شناخت و تبیین درست هر مفهوم یا پدیده، ارائه تعریف روشن از آن است. کارآفرینی همانند سایر واژه های مطرح در علوم انسانی، هنگامی قابل تحلیل و تبیین می باشد که بتوان تعریف یا تعاریف روشن و مشخصی از آن ارائه نمود. از آن جا که مفاهیم علوم انسانی در زمره مفاهیم قطعی علوم فیزیک و شیمی به شمار نمی رود، ارائه یک تعریف قطعی و مشخص برای واژه های آن، کاری دشوار و حتی غیرممکن است. «کارآفرینی» نیز یکی از واژه هایی است که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و از ابتدای طرح آن در محافل علمی، تعاریف متفاوت و حتی متناقضی از دیدگاه های گوناگون برای آن ارائه شده است. وجود این عوامل در تعریف کارآفرینی از سویی نشان دهنده گستردگی و اهمیت موضوع است که می تواند از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد و از سویی دیگر نشان دهنده بیابایی موضوع است که زمینه ارائه مدل ها، تعریف ها و نظرات متفاوتی را فراهم می آورد.

به منظور آگاهی دقیق و ارائه یک تعریف علمی از «کارآفرینی» از دکتر محمود احمدپور داریانی به عنوان متخصص این رشته می خواهیم که تعریف خود را از «کارآفرینی» ارائه کند.

دکتر احمدپور داریانی در پاسخ به این سوال می گوید: «خیلی ها فکر می کنند که کارآفرینی به معنای آفرینش و ایجاد کار می باشد، در صورتی که این یک برداشت اشتباه از کارآفرینی است، من ارتباط با تحقیقی که در دانشگاه امیرکبیر انجام دادم، از دو هزار نفر از مدیران و مسئولان کشور خواستم که تعریف خود را از واژه «کارآفرینی» مطرح کنند، حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد تعریف آنها از کارآفرینی، ایجاد کار بود و طبیعی است که وقتی متخصصان و نخبگان جامعه از این واژه تعریف درستی نداشته باشند، عموم مردم هم تعریف روشنی از کارآفرینی نخواهند داشت.

و می افزاید: «کارآفرینی به معنای ایجاد کار نیست.»

### مفهوم واژه «کارآفرینی»

به گفته دکتر احمد پورداریانی، واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی entrepreneur به معنای «متعهدشدن (undertake)» نشأت گرفته است و براساس واژه نامه دانشگاهی ویستر، کارآفرین کسی است که متعهد می شود مخاطره های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند.

دکتر احمدپور داریانی می گوید: «من خودم در سال ۹۹۹۱ میلادی (۸۷۳۱ هجری شمسی) یک تعریف از کارآفرین ارائه کردم و معتقدم «کارآفرین» فردی است که دارای ایده و فکر جدید می باشد و از طریق ایجاد کسب و کاری که توام با مخاطره مالی و اجتماعی است، با بسیج منابع محصول، خدمت جدید به بازار ارائه می کند، پس کارآفرین سه کار مهم می کند که اول ایجاد خلاقیت و نوآوری، دوم راه اندازی یک شرکت یا کسب و کاری و طی کردن فرایند ایجاد کسب و کار و سوم ارائه محصول و خدمت خود به بازار می باشد. بنابراین اگر در جامعه یک کسی برای اولین بار دستمال کاغذی را تولید کرد، چون

اولین بار است، این کارآفرینی کرده و اولویت با کارآفرین است. به عبارت دیگر آنها که اولین ها در هر کاری هستند و با نوآوری جبهه های جدیدی در اقتصاد باز می کنند، کارآفرین هستند .

کارآفرین کیست؟

کارآفرین کیست و دارای چه ویژگی هایی است؟ دانشمندان و محققان علوم رفتاری، مدیریت و اقتصاد تعاریف گوناگونی از «کارآفرین» ارائه می کنند .

به اعتقاد برخی از دانشمندان مانند ریچارد کتیلن (cattilon) ، کارآفرین کسی است که خطرپذیر است و توانایی برقراری ارتباط بین تولیدات و خدمات، توانایی سازماندهی و نظارت بر تولید و معرفی روش های جدید، محصولات جدید و یافتن بازارهای جدید را دارد .

اسکامپتر یکی دیگر از دانشمندان می گوید: «کارآفرین کسی است که نوآور است و قدرت خلاقیت بالایی دارد و فعالیت های جدیدی را در قالب شرکت های کوچک راه اندازی می کند .»

کول (Cole) هم می گوید: کارآفرین به شخصی می گویند که بهترین و آخرین موقعیت های اقتصادی و تجاری را کشف می کند و روش استفاده از این فرصت ها را می داند. این فرد معمولاً دارای استعداد، خلاقیت، ابتکار، سازماندهی و مدیریت در سطح بالایی است .

«دیوید مک کران» و «اریک فلانیگان» کارآفرینان را افرادی نوآور، با فکری متمرکز و به دنبال کسب توفیق و مایل به استفاده از میانبرها می دانند که کمتر مطابق کتاب کار می کنند و در نظام اقتصادی، شرکت هایی نوآور، سودآور و با رشدی سریع را ایجاد می نمایند.

مرجع: مجله مدیریت